

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم تحقیقات و فناوری



دانشگاه علامه محدث نوری ()

(غیردولتی- غیر انتفاعی)

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی حقوق خصوصی

:

آیین دادرسی دعوی ورشکستگی

راهنما:

دکتر عبدالحمید مرتضوی

:

دکتر علی محمد زاده

:

مهدیه دانشفر

پاییز

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب **مهدیه دانشفر** **منوچهر** دانشجوی رشته ی **حقوق خصوصی** کارشناسی ارشد دانشگاه علامه محدث نوری () بدینوسیله اصالت کلیه مطالب و مندرجات موجود در مباحث مطروحه در این پایان نامه را با عنوان **آیین دادرسی دعوی ورشکستگی** تأیید و تصدیق کرده، اعلام می‌نمایم که تمامی محتوای این پایان نامه حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رو نویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع اعم از داخلی، خارجی و یا بین المللی، نبوده و تعهد می‌نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل که منتهی به فارغ التحصیلی شده و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ...، دانشگاه حق دارد ضمن اعلام رد پایان نامه، نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوط اقدام نماید. مضافاً به اینکه کلیه ی مسئولیت ها و پیگردها پیامدهای قانونی و نیز خسارات مادی و معنوی وارده از هر حیث متوجه اینجانب می

م خانوادگی دانشجوی

تاریخ و امضاء

تقدیر و تشکر:

پس از حمد و سپاس خداوند متعال و قبل از هر چیز بر خود لازم می دانم که از زحمات و راهنمایی های جناب آقای دکتر مرتضوی به عنوان استاد راهنما، همچنین جناب آقای دکتر محمدزاده استاد مشاور که در طول تدوین و تکمیل پایان نامه بنده را مورد لطف و عنایت ویژه ی خود قرار داده صمیمانه تشکر نمایم.

تذکره:

پدر و مادر مهربان و فداکارم به پاس زحمات بی دریغشان، آنان که از خواسته هایشان گذشتند، سختی ها را به جان خریدن و خود را سپر بلای مشکلات و ناملایمات کردند و همسر عزیزم که سایه ی همیاری و همدلی او همواره امید بخش زندگی ام می باشد.

چکیده:

یکی از مهم ترین مباحث حقوق تجارت ورشکستگی است، زیرا حکم ورشکستگی علاوه بر آن که بر تاجر، اموال و معاملات او تأثیر قانونی دارد بر روابط حقوقی او با اشخاص ثالث اعم از شریکان و طلبکاران نیز تأثیرگذار است. بنابراین قانونگذار سخت گیری بیشتری نسبت به شخص تاجر اعمال می کند. در قوانین تجارت مواد مخصوصی برای ورشکستگی پیش بینی شده است و تشکیلاتی برای رسیدگی به کار ورشکستگان و اداره ی امور آن ها به وجود آمد. بر این اساس می خواهیم به بررسی مسایلی پیرامون شرایط شکلی ورشکستگی پردازیم از جمله این که چه اشخاص و مراجعی می توانند دعوای ورشکستگی را به طرفیت تاجر ورشکسته طرح نمایند، طبق قانون تجارت سه دسته اشخاص از جمله تاجر، طلبکاران و دادستان می توانند در این دعوا خواهان واقع شوند این دعوا در دادگاه عمومی شهرستان باید مطرح شود و طبق شرایط و تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی و قانون تجارت رسیدگی می گردد.

کلمات کلیدی:

آیین دادرسی، ورشکستگی، تاجر، توقف.

مقدمه.....	۱
فصل نخست: کلیات و مقدمات دادرسی در دعوی ورشکستگی.....	۶
بخش اول: کلیات.....	۷
مبحث نخست: مفاهیم و سابقه ی قانونگذاری.....	۷
گفتار اول: مفهوم لغوی و حقوقی آیین دادرسی.....	۷
بند اول- مفهوم لغوی و اصطلاحی دعوا.....	۷
بند دوم- مفهوم لغوی و حقوقی تاجر.....	۸
بند سوم- مفهوم لغوی و حقوقی ورشکستگی.....	۸
گفتار دوم- سابقه ی قانونگذاری ورشکستگی در حقوق ایران.....	۹
مبحث دوم- انواع ورشکستگی و اقسام تاجر.....	۱۰
گفتار اول- انواع ورشکستگی.....	۱۱
بند اول- ورشکستگی عادی.....	۱۱
بند دوم- ورشکستگی به تقصیر.....	۱۲
بند سوم- ورشکستگی به تقلب.....	۱۳
گفتار دوم- اقسام تاجر.....	۱۳
بند اول- تاجر حقیقی.....	۱۳

بند دوم- تاجر حقوقی..... ۱۴

بخش دوم- مقدمات رسیدگی دادگاه و شرایط تحقق ورشکستگی..... ۱۴

مبحث اول- مقدمات دادرسی ۱۴

گفتار اول- تهیه و تنظیم دادخواست ۱۵

گفتار دوم- دادگاه صالح برای اعلام ورشکستگی ۱۵

گفتار سوم- شرایط تحقق ورشکستگی ۱۸

بند اول- تاجر بودن..... ۱۹

بند دوم- توقف در پرداخت دین..... ۲۰

بند سوم- شرایط دین..... ۲۶

گفتار چهارم- اشخاص ذی نفع در طرح دعوی ورشکستگی..... ۲۹

بند اول- خود تاجر..... ۳۰

بند دوم- یک یا چند نفر از طلبکاران..... ۳۳

بند سوم- دادستان..... ۳۴

گفتار پنجم- مشخصات خوانده ی دعوی ورشکستگی ۳۵

بند اول- آدرس خوانده..... ۳۸

گفتار ششم- تعیین خواسته ۳۹

گفتار هفتم- هزینه ی دادرسی ۳۹

گفتار هشتم- تکالیف دفتر دادگاه ۴۱

فصل دوم- شیوه ی دادرسی..... ۴۴

بخش اول- نحوه ی رسیدگی به دعوا..... ۴۵

مبحث اول- رسیدگی و صدور حکم ورشکستگی..... ۴۵

گفتار اول- ادله ی اثبات ورشکستگی..... ۴۷

گفتار دوم- صدور حکم ورشکستگی پس از فوت تاجر یا انحلال شرکت..... ۵۰

گفتار سوم- محتوای حکم ورشکستگی..... ۵۴

گفتار چهارم- اعلان حکم دادگاه..... ۵۶

بند اول- تفاوت اعلام و اعلان..... ۵۷

بند دوم- نمونه رأی دادگاه ۵۷

بخش دوم- آثار و ماهیت حکم ورشکستگی..... ۵۹

مبحث اول- آثار حکم ورشکستگی..... ۵۹

گفتار اول- ماهیت حکم ورشکستگی ۶۰

گفتار دوم- اجرای موقت حکم ورشکستگی..... ۶۱

گفتار سوم- استرداد اموال و مال التجاره..... ۶۳

بند اول- مرجع قبول تقاضای استرداد..... ۶۵

فصل سوم- شکایت از حکم ورشکستگی..... ۶۶

- بخش اول- اعتراض به حکم ورشکستگی.....۶۷
- گفتار اول- اعتراض شخص ثالث.....۷۰
- گفتار دوم- تجدیدنظر خواهی از حکم ورشکستگی.....۷۲
- گفتار سوم- فرجام خواهی.....۷۵
- بخش دوم- خاتمه ی ورشکستگی و اعاده ی اعتبار.....۷۷
- گفتار اول- قرارداد ارفاقی.....۷۷
- بند اول- ابطال قرارداد ارفاقی.....۷۹
- بند دوم- فسخ قرارداد ارفاقی.....۸۰
- گفتار دوم- تصفیه ی امور ورشکستگی.....۸۱
- بند اول- تصفیه ی عادی.....۸۴
- بند دوم- تصفیه ی اختصاری.....۸۵
- بند سوم- شکایت از اداره ی تصفیه.....۸۶
- گفتار سوم- اعاده ی اعتبار.....۸۸
- بند اول- اعاده ی اعتبار تاجر حقیقی.....۸۸
- بند دوم- اعاده ی اعتبار شرکت های تجار.....۹۱
- نتیجه گیری.....۹۳
- پیشنهادات.....۹۵
- فهرست منابع.....۹۶

مقدمه:

با توجه به توسعه ی شرکت ها و افزایش فعالیت های اقتصادی و تجاری در جامعه ی ما آگاهی با قوانین و مقررات ورشکستگی را امری اجتناب ناپذیر می نماید زیرا با تحقق ورشکستگی شرایط خاصی بر ورشکسته و اعمال حقوقی او حاکم خواهد شد، از این رو حکم ورشکستگی باید از دادگاه صلاحیتدار صادر شود. در رسیدگی به دعوی ورشکستگی هم از مباحث حقوق تجارت هم از قانون آیین دادرسی مدنی استفاده می گردد و شرایط خاصی برای صدور حکم و رسیدگی به این دعوا وجود دارد.

دعای متعدد و گوناگون تجاری مطرح می شود که یکی از آن ها دعوی ورشکستگی می باشد. این دعوا خود به سه قسم تقسیم می شود: ورشکستگی عادی، ورشکستگی به تقلب، ورشکستگی به تقصیر در صورتی که تاجر قادر به پرداخت دیونی که بر عهده ی او است، نباشد در این صورت می تواند از دادگاه درخواست صدور حکم ورشکستگی نماید.

با توجه به این که قانون تجارت تعریف روشنی و دقیقی از برخی موضوعات از جمله دین تاجر، مفهوم توقف، نحوه ی اعتراض به رأی و تجدیدنظر ارائه نموده و رویه های متعددی در دادگاه ها از این جهت ایجاد کرده است، ما بر آن شدیم که در این پایان نامه به آیین دادرسی دعوی ورشکستگی بپردازیم و این موضوعات را بررسی و روشن سازیم.

در خصوص این موضوع سؤالاتی ممکن است طرح شود از جمله:

۱- در دعوی ورشکستگی خوانده چه کسی است؟

۲- آیا صرف عدم پرداخت دین، برای صدور حکم ورشکستگی کافی است یا توقف مطلق تاجر ضروری می

باشد؟

۳- آیا اظهار ورشکستگی از طرف تاجر به منزله ی اقرار است و دادگاه بی نیاز از تحصیل دلیل می باشد؟

۴- منظور از اعتراض در ماده ی ۵۳۶ قانون تجارت چیست؟

۵- نحوه ی تجدیدنظرخواهی از حکم ورشکستگی چگونه است؟

۴- پژوهش های علمی انجام شده ی قبلی در ارتباط با پایان نامه:

در خصوص این موضوع به صورت مستقل و مجزا پایان نامه و یا کتابی تألیف نشده است اما برخی از حقوقدانان

در کتب خود مطالبی را بیان نمودند از جمله: یکی از دکتربین در کتاب حقوق تجارت می فرمایند:

«...ورشکستگی عبارت است از درماندگی تاجر یا شرکت تجارتي در انجام عملیات تجارتي که با از دست دادن

توانایی پرداخت دیون و عدم توانایی اقدام به تعهدات خود بلا اعتبار گشته است...»^۱ همچنین حقوقدان دیگری بیان

می دارد: «... قانون تجارت ایران تعریف روشنی از توقف ارائه نموده و در نتیجه اختلاف نظرهایی در این زمینه

بروز نموده است اما قدر مسلم آن است که به تصریح همین قانون، صدور حکم ورشکستگی نتیجه ی قهری توقف

تاجر و انحلال نیز نتیجه ی قهری حکم ورشکستگی شرکت تجارتي است، به عبارت دیگر حکم ورشکستگی به

خودی خود انحلال شرکت را محقق می سازد...»^۲

۱- افتخاری، جواد، (۱۳۷۹)، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ اول، انتشارات ققنوس، ص ۳۴.

یکی دیگر از حقوقدانان می فرمایند:

«...در صورتی که در پرداخت دیون تاجر ورشکسته توقف حاصل شود، مکلف است ظرف مدت سه روز به دادگاه

عمومی محل اعلام نماید. دادگاه با بررسی ادعای تاجر و احراز این که اعلام کننده تاجر می باشد و ناتوان از

پرداخت دین خود می باشد و با جمع سایر شرایط حکم صادر خواهد نمود...»^۱.

یکی دیگر از دکترین بیان می دارند: «...ورشکستگی باید به موجب حکم دادگاه اعلام شود و تا زمانی که دادگاه

حکم ورشکستگی را صادر نکرده است، ورشکستگی تاجر مسلم نیست و جریان امور تصفیه ورشکستگی منوط به

صدور حکم ورشکستگی است...»^۲.

۵- فرضیات پژوهش:

در پاسخ به سؤالات مطروحه و بیان مسأله فرضیات نگارنده بدین شرح می باشد:

۱- در مواردی که دادستان یا طلبکاران طرح دعوا می نمایند تاجر ورشکسته خوانده است و در مواردی که تاجر

طرح دعوا می نماید، برخی از حقوقدانان معتقدند خوانده ندارد اما ما معتقدیم دادستان طرف دعوا قرار می گیرد

اگر تاجر بخواهد طلبکاران را طرف دعوا قرار دهد چون معمولاً تعداد آن ها زیاد است، موجب اطاله ی دادرسی

می شود.

۲- در این خصوص توقف مطلق تاجر، ضروری است.

۳- خیر، دادگاه باید از طریق رسیدگی به دفاتر تجاری و صورت حساب دارایی و مدارک و اسناد دیگر به صحت

و سقم ادعا رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید.

۲- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ چهارم، نشر دادگستر، ص ۱۵۳.

۴- چون حکم ورشکستگی نسبت به تاجر و کلیه اشخاصی که با تاجر رابطه دارند، معتبر است بنابراین هر شخص ذی نفع در دادرسی بدوی حاضر نباشد، حق اعتراض به حکم را دارد اعتراض مذکور در این ماده به منزله ی یک نهاد اعتراض خاص است.

۵- مرجع تجدیدنظر آرای حقوقی و کیفری راجع به ورشکستگی صادره از دادگاه عمومی، دادگاه تجدیدنظر مرکز استانی است که آن دادگاه عمومی در یکی از شهرستان های تابع آن واقع گردیده است، ظرف مدت ۲۰ روز معترض به حکم می تواند از این دادگاه درخواست تجدید نظر نماید.

این ها صرفاً پاسخی به فرضیات مطرح شده می باشد، ممکن است با تحقیق و تفحص بیشتر به نتایج دیگری دست یابیم.

۶- اهداف پژوهش

هدف نگارنده این است که با تهیه ی این پایان نامه و کمک اساتید و کتب موجود در رابطه با این موضوع قوه مقننه بتواند برای تنظیم قوانین جدید از آن استفاده کند و به محاکم کمک کند تا به نظر واحدی در این خصوص برسند تا اختلاف نظرات زیادی که در محاکم وجود دارد کاهش یابد و نهایتاً رسیدگی و اجرای آراء هم آسان تر و بهتر خواهد بود.

۷- خلاصه و مراحل روش تحقیق:

جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای می باشد اما با توجه به این که نگارنده در صدد رفع ابهامات موجود در قانون می باشد، روش تحقیق به صورت توصیفی- تحلیلی می باشد.

۸- تقسیم بندی کلی مطالب پایان نامه:

این پایان نامه شامل سه فصل می باشد که در فصل نخست (مقدمات دادرسی در دعوی ورشکستگی) ذکر خواهد شد و در فصل دوم (شیوه دادرسی) و در فصل سوم به (اعتراض به دادرسی در این دعوی) خواهیم پرداخت.

فصل نخست

کلیات و مقدمات دادرسی در دعوی ورشکستگی

بخش اول: کلیات

در این بخش به مفاهیم آیین دادرسی، دعوا، تاجر، ورشکستگی و انواع آن و سابقه ی قانونگذاری ورشکستگی خواهیم پرداخت.

مبحث نخست: مفاهیم و سابقه ی قانونگذاری:

در این مبحث می خواهیم به تعریف اصطلاحات حقوق در دعوی ورشکستگی بپردازیم.

گفتار اول - مفهوم لغوی و حقوقی آیین دادرسی:

در لغت آیین دادرسی یعنی «اصول محاکمات، دستور و روش دادرسی، قوانین و مقرراتی که برای رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری باید از طرف دادگاه رعایت شود.»^۱ در صورتی که حقی مورد تضییع یا انکار دیگران قرار بگیرد، خواهان در مقام اقامه ی دعوا و تعقیب آن، خوانده در مقام دفاع و مرجع صالح در مقام رسیدگی و صدور رأی، مستلزم رعایت اصول و قواعدی می باشند که آیین دادرسی مدنی نامیده می شود.^۲

گفتار دوم- مفهوم لغوی و اصطلاحی دعوا:

دعوا در لغت به معنای ادعا کردن، خواستن، ادعا، نزاع و دادخواهی آمده است.^۳

تعریف اصطلاحی دعوا: مقصود این است که بدانیم در علم حقوق آیین دادرسی مدنی این لفظ به چه معنا

۱- عمید، حسن، (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، چاپ هفتم، ص ۶۶، انتشارات امیر کبیر.

۲- فلاح، علی، (۱۳۹۱)، کمک حافظه آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ پنجم، انتشارات دور اندیشان، ص ۱۴.

۳- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ پانزدهم، انتشارات امیر کبیر، ص ۵۸۳

می باشد. یکی از اساتید در تعریف دعوا بیان کرده: «دعوا حقی است که به موجب آن اشخاص می توانند به دادگاه مراجعه نمایند و از مقام رسمی بخواهند که به وسیله ی اجرای قانون، از خودشان برابر دیگری حمایت شود، مراجعه به دادگاه و اجرای این حق همیشه به وسیله ی عمل حقوقی خاصی انجام می شود که اقامه ی دعوا نام دارد.»^۱

گفتار سوم) مفهوم لغوی و حقوقی تاجر:

تاجر در لغت به معنی «بازرگان» و «سوداگر» می باشد، آن که خرید و فروش کند برای سود کردن.^۲

تعریف حقوقی تاجر: شخصی که یکی از اعمال تجارتي مقرر در ماده ی ۲ ق.ت و یا اعمال شناخته شده در رویه ی قضایی را شغل معمول خود قرار دهد، تاجر محسوب خواهد شد. شخص اعم از حقیقی و حقوقی است.^۳

گفتار چهارم) مفهوم لغوی و حقوقی ورشکستگی

ورشکستگی به معنای ورشکست شدن، زیان دیدن و شکست خوردن در معامله و واماندن در کسب و کار و تجارت است.^۴

در معنای حقوقی به وضعیتی گفته می شود که در آن تاجر از تأدیه ی دیون خود، وجوهی که بر عهده ی او می باشد عاجز و متوقف شده است. حقوقدانان تعاریف متعددی از ورشکستگی بیان نموده اند یکی از حقوقدانان در تعریف ورشکستگی می فرماید: «تاجر بودن- توقف از تأدیه ی دیون - ارتباط دین با عملیات تجاری عدم توانایی یک تاجر یا شرکت تجارتي برای پرداخت دیون حال توقف یا ورشکستگی نامیده می شود».^۵

۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، اعتبار امر قضاوت شده در دعاوی مدنی، چاپ ششم، انتشارات میزان، ص ۱۱۴.

۲- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۲۵)، لغت نامه، جلد دوم، چاپ خانه مجلس، ص ۷۹.

۳- عرفانی، محمود، (۱۳۸۳)، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ دوم، نشر میزان، ص ۶۳.

۴- عمید، حسن، (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، ص ۱۹۴۶.

۵- انوری پور، سید محسن، ورشکستگی در حقوق ایران، انتشارات بابک، ص ۱۶.

یکی دیگر از دکترین می گوید: ورشکستگی به حالتی از حالات تاجر تعبیر می شود که دخالت تاجر در اموال خود به صلاح جامعه تجاری نمی باشد، قانون از دست دادن چنین صلاحیتی را به ورشکستگی تعبیر نموده است. قانونی که بر تاجر حاکم می شود قانون ورشکستگی است یعنی تاجری که شکست خورده باید قانون شکست را تحمل کند. اگر از تاجر به موجب قوانین خاصی حمایت شده در صورت شکست در کار خود باید قانون سخت تری را نیز تحمل کند. افراد غیر تاجر دارای قوانین خاص حمایتی نمی باشند لذا اگر مقروض یا بدهکار شوند، قانون ورشکستگی بر آنها حکومت نخواهد کرد. افراد غیر تاجر و کسبه ی جزء تابع قانون افلاس و اعسار هستند.^۱

گفتار پنجم: سابقه ی قانونگذاری ورشکستگی در حقوق ایران

مقررات ورشکستگی در حقوق ایران، برگرفته از حقوق اسلامی می باشد. اولین بار در ماده ی ۶۲۴ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ از اصطلاح افلاس نام برده شده بود. در قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳ و به دنبال آن قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴ در باب ششم به ورشکستگی و باب هفتم به ورشکستگی به تفصیر و ورشکستگی به تقلب پرداخته است و ورشکستگی را در ماده ی ۲۴۳ این گونه تعریف کرده بود: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه ی توقف از تأدیه ی وجوهی که بر عهده اوست، حاصل می شود». با تصویب قانون اعسار و افلاس مصوب ۱۳۱۰/۸/۲۵ مواد ۶۲۴ تا ۶۲۶ و مواد ۷۹۹ تا ۸۰۴ نسخ شد. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ به موجب ماده ی ۶۰۰ قوانین تجارت ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ را نیز نسخ کرد و باب یازدهم خود را به مبحث ورشکستگی اختصاص داد. قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳، قانون اعسار و افلاس مصوب ۱۳۱۰ را نسخ کرد و فقط به تعریف معسر اکتفا کرد. بر این اساس اصطلاح (افلاس) از فرهنگ اصطلاحات حقوقی ایران حذف گردید.

با تصویب قانون اداره ی تصفیه ی امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴ تصفیه ی امور تاجر ورشکسته در نقاطی که اداره ی مذکور تشکیل می شود، به عهده ی اداره ی تصفیه محول گردید و در نقاطی که اداره ی مذکور تشکیل نشده باشد، به عهده ی مدیر تصفیه ی معینه از سوی دادگاه می باشد. قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ طبق بند ۲ ماده ی ۷۸۹ خود فصل اول قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ را نسخ کرد و اصطلاح اعسار فقط در مورد عجز از پرداخت هزینه ی دادرسی حفظ نمود. قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰ باب هشتم خود را به هزینه ی دادرسی و اعسار اختصاص داد و در ماده ی ۵۱۲ می گوید: «از تاجر دادخواست اعسار پذیرفته نمی شود، تاجری که مدعی اعسار نسبت به هزینه ی دادرسی باشد، باید برابر مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد، کسبه جز مشمول این ماده نخواهند بود»^۱.

بدین ترتیب در خصوص عدم تأدیه از جانب بدهکاران در حقوق ما از دو نظام پیروی می شود؛ یکی ورشکستگی که فقط در خصوص بازرگانان و طبق قانون تجارت مجراست و دیگری نظام مربوط به اعسار که فقط در مورد غیر بازرگان و کسبه جزء طبق مقررات قانون اعسار مجراست.

مبحث دوم: انواع ورشکستگی و اقسام تاجر

اگر در پرداخت دین توسط تاجر یا شرکت تجاری وقفه حاصل شود مشمول ورشکستگی می باشد. ورشکستگی اقسامی دارد که به آن می پردازیم. حکم ورشکستگی مختص به تاجر یا شرکت تجاری می باشد که متوقف از پرداخت بدهی است، اشخاص غیر تاجر که به دلیل عدم تکافوی دارایی یا عدم دسترسی به اموال خود قادر به پرداخت دیون خود نباشند معسر شناخته می شوند. تاجر هم به دو دسته حقیقی و حقوقی تقسیم می شوند.